



اشاره:

هنر خوشنویسی در گستره هنر اسلامی، دارای جایگاهی ارزشمند و سابقه‌ای کهن است. هنری که اعتبار نخستین آن مدیون کتابت قرآن مجید است و هم به دلیل این منزلت و حرمت در مقایسه با سایر هنرها، سوای زیبایی و لطف، به معنویتی خاص می‌رسد تا بدان‌جا که هر زمان، با مدد ذوق و ابتکار خوشنویسان چیره‌دست، خط و خطاطی رنگ‌وبویی تازه و جلوه‌ای نوبر خود می‌گیرد.



تجسمی

خوشنویسی؛ سنت نخستین هنر اسلامی

تفاخر فدای شیفتگی

سار احمدی

سایه تلاش این خوشنویس آگاه و هنرمند است که اشفقتگی این خطوط جای خود را به نظمی فراخور تحسین سپرد. شایستگی، هنر و آگاهی «ابن مقله» در زمینه خط تا بدان‌جا بود که تا سالیان دراز پس از مرگ او، هیچ خوشنویسی را یارای جانشینی او و برتری بر شیوه خط او نبود. **ابن بواب و تحولی تازه در خوشنویسی** تنها خوشنویس نام‌آوری که بعد از ابن مقله در عرصه هنر خوشنویسی

می‌افتد. «ابن مقله» کوشید تا خط را در جهان اسلامی متحول سازد، پس بنیانگذار خوشنویسی در هنر اسلامی گردید. شواهد و اسناد نشان‌دهنده این واقعیت است که تا پیش از او، کسی تلاش بایسته‌ای در روند خوشنویسی به خرج نداد، اما او کوشید تا هم زیبا و نیکو بنویسد و هم در زمینه قلم‌های ششگانه (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع و رقاع) قواعد و نظمی برای آیندگان به وجود آورد. در

ابن مقله و رواج خوشنویسی

رواج خط کوفی و نسخ در میان ملل اسلامی به ویژه ایران و مصر و کشورهای شمال آفریقا، توجه به رونق خط عربی و نیاز به خوشنویسی و حسن خط را در میان کاتبان دوچندان می‌سازد. خط از گونه ساده و تنها به دلیل کتابت بیرون آمده و در مقام هنری مستقل مورد نظر قرار می‌گیرد. این مهم به ویژه در اواخر قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری با ظهور «ابن مقله» اتفاق



خوش درخشید، ابوالحسن علی بن هلال البغدادی مشهور به «ابن بواب» است. او نخستین کسی است که خط را به میزان نقطه مورد سنجش قرار داد. او هنرمندی است که آثار کلک پرنهرش در طول گذشت ایام به یغما رفته است و تنها چند نمونه‌ای محدود، میزان قضاوت ماست که می‌توان دریافت، او در نگارش خط دقت و مهارت و وسواس بسیار داشته و کلمات در چرخش قلم توانمندش جان تازه‌ای یافته‌اند.

با مرگ ابن‌بواب، شیوه و راه او به وسیله شاگردان و پیروانش ادامه یافت و از سال ۴۲۳ هجری که سال مرگ استاد است تا مدت دو قرن، خوشنویسان قلم و خط ابن‌بواب را الگو قرار داده و خوشنویسی به گونه‌ای زیبا و استوار به حیات خود ادامه داد.

خط یاقوت مستصمی

یاقوت مستصمی هنرمند خطاط و نام‌اشنا، در شرایطی به حیثه هنر خوشنویسی پا نهاد که این هنر در سایه تلاش بی‌وقفه خوشنویسان در ممالک اسلامی هنری معتبر و رایج به شمار می‌آمد و هنرمندان بسیاری در کار رونق بخشیدن به این هنر بودند. یاقوت آمد و چونان پشتوانه‌ای غنی و ارزشمند، مقام والای خوشنویسی را در میان هنرها تثبیت کرد. وی در طول سالیان بلند و طولانی زندگی‌اش، الگوی بی‌شمار خوشنویسان در گوشه و کنار جهان آن روز گردید.

به دلیل درک هنر یاقوت؛ شاگردان با استعداد و هنرمندان و استادان چیره‌دستی چونان: احمد سهروردی، یوسف مشهدی، مبارک شاه تبریزی، ارغون، سیدحیدر و نصرالله طیب که همگی ایرانی بودند، در عرصه هنر خوشنویسی به ظهور رسیدند. آنان با توجه به استادی و مهارت چشمگیرشان در آثاری که از خود به یادگار گذاشتند، سهم عمده و مؤثر ایرانیان را در رونق بخشیدن به هنر خوشنویسی نیز به اثبات رساندند.

ایرانیان و رونق هنر خوشنویسی

در ایران خوشنویسی همگام با مکاتب و شیوه‌های هنری، در مراکز و شهرهای عمده فرهنگی و هنری مانند: شیراز، تبریز، اصفهان و هرات در رابطه با رونق هنرهای تجسمی چونان: نقاشی، مینیاتور، تذهیب

و سایر صنایع ظریفه رشد قابل توجهی یافت، اما تحول بنیادی خوشنویسی در ایران، با مدد از ذوق و ابتکار هنرمندان خطاط ایرانی، مربوط به نیمه دوم قرن هشتم هجری به بعد می‌شود.

از آن زمان با توجه به عنایتی که به خط و خطاطی از سوی آنانی که توان حمایت از این هنر را دارند مبذول می‌گردد، زمینه وسیعی در تجربه خوشنویسی برای هنرمندان این رشته از هنر مهیا می‌شود، چندان‌که در شیوه تعلیق، آثاری با ارزش به وسیله استادانی چون: خواجه اختیار منشی گنابادی و نجم‌الدین مسعود ساوجی به

تنها خوشنویس نام‌آوری که بعد از ابن‌مقله در عرصه هنر خوشنویسی خوش درخشید، ابوالحسن علی بن هلال البغدادی مشهور به ابن بواب است. او نخستین کسی است که خط را به میزان نقطه مورد سنجش قرار داد.

وجود می‌آید. لازم به یادآوری است که خط تعلیق را خوشنویسان ایرانی مبتکر بودند.

خط نستعلیق

مدت زمانی بعد باز با مدد از ذوق و ابتکار خوشنویسان ایرانی، خط نستعلیق که در واقع باید از آن به‌عنوان سرآمد شیوه‌های خوشنویسی یاد کرد، رواج کامل یافت. نستعلیق با هنرمندی و ذوق و تجربه «میر علی تبریزی» به اعتبار رسید. وی با تلاش هنرمندانه و قلم پرتوانش، نستعلیق را آبرو و حرمتی سزاوار بخشید؛ چندان‌که بعد از مرگش، راه او را شاگردان با استعدادش پیمودند. توانمندترین خوشنویس بعد از میرعلی در زمینه نستعلیق «سلطان‌علی مشهدی» بود. وی در طول بیش از هشتاد سال زندگی، سهمی بسزا در کار خوشنویسی به ویژه خط نستعلیق از آن خود ساخت و بعد از خود، تجارب ارزشمندش را به شاگردان با استعدادی چونان «سلطان محمد نور» سپرد.

میرعلی هروی؛ استادی با مهارت و شگرد ویژه

نام‌آورترین نستعلیق‌نویس بعد از سلطان‌علی مشهدی، میرعلی هروی بود. وی با مهارت و شگردی ویژه، در کار

**بیشتر مورخین هنری را
اعتقاد بر آن است که
تجدید حیات خوشنویسی
را باید مدیون هنر و ذوق
شگفتی آفرین هنرمندی
بلند آوازه و ممتاز یعنی
میر عماد سیفی قزوینی
دانست.**

رونق بخشیدن به خط نستعلیق تلاش کرد و در مدت زمانی طولانی، بسیاری از خطاطان به پیروی از شیوه و شگردهای او قلم زدند.

تولد میر عماد؛ تجدید حیات خوشنویسی
بیشتر مورخین هنری را اعتقاد بر آن است که تجدید حیات خوشنویسی را باید مدیون هنر و ذوق شگفتی آفرین هنرمندی بلند آوازه و ممتاز یعنی «میر عماد سیفی قزوینی» دانست؛ خوشنویس چیره دستی که آوازه شهرت و هنرش در جهان آن روز تا بدان جا پیچید که بسیاری از دوستداران و علاقه‌مندان، به شوق دیدار و فراگیری، از هندوستان و عثمانی به ایران سفر کردند.

حضور میر در اصفهان، این شهر را مرکز عمده خوشنویسی کرد. در اصفهان شاگردان استاد گرد او جمع شده و با مدد از تعلیم استاد، در کار نستعلیق آثار ارزشمندی را خلق کردند.

میر عماد با قلم توانمندش و با استعداد خدادادی‌اش، چنان اعجازی در کار خوشنویسی کرد که اگر مرحله‌ای می‌بایست تا خوشنویسی به پختگی و اوج رسد، همانا در قلم و هنر میر بود.

در دوران صفوی هنرهای ظریفه، به ویژه خوشنویسی و تذهیب به اوج اعتبار می‌رسد و کاربرد خط سوی کتابت، در کتیبه‌های سراسر لطف و زیبایی مساجد و مدارس دینی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این کتیبه‌هاست که قلم توانمند و هنرمندانه نام‌آوران خط چونان «علیرضا عباسی» و «عبدالباقی تبریزی» و سایر خوشنویسان، آثار ارزشمندی به یادگار می‌گذارد که هنوز از پس قرن‌ها در ردیف آثار نادر در

هنر خوشنویسی به شمار می‌رود.

بعد از طی دوران درخشان تنوع و زیبایی هنر خوشنویسی که با همت میر عماد و سایر خوشنویسان پایه نهاده شد؛ استادان نام‌آشنا و گمنام بسیاری در حفظ اعتبار و بالا بردن ارزش‌های هنر خوشنویسی به تلاش و کار پرداختند. در این میان سوی انانی که در انتهای کار رقمی زده و یا نامی از خود به جای گذاشتند، اغلب گمنام مانده‌اند و تنها به دلیل شور و شوق و اعتقادی که به این هنر داشته‌اند، بی‌هیچ نام و رقمی در راه اعتبار خوشنویسی به تلاش و آفرینش هنر پرداختند. پس گزافه نیست که خوشنویسی را در ردیف هنرهایی بدانیم که هنرمندانش بیشتر ناشناخته و گمنام مانده‌اند و شاید هم به عمد و آگاهانه خود بر این ناشناخته ماندن دامن زده‌اند تا شیفتگی را فدای تفاخر نسازند.

درویش عبدالمجید و شکسته نستعلیق

خط نستعلیق با تمامی زیبایی و ظرافت و پختگی، به ضرورت تحول در کار خوشنویسی و تنوع بخشیدن به کار خط، سرانجام جای خود را به خط شکسته نستعلیق می‌سپارد و بعد از مدت زمانی کوتاه، این خط با همت خوشنویسانی باذوق، همانند «شفیعا»، رونق و رواج می‌گیرد؛ اما اگر قرار بر آن باشد نقطه اوجی برای شکسته نستعلیق در نظر گرفته شود، می‌بایست این اوج و اعتبار را در قلم پرهنر شاعر و خطاط هنرمند و باذوق «درویش عبدالمجید» جست‌وجو کرد. این هنرمند طالقانی در گذرگاه عمر کوتاهش، به آن‌چنان استادی و مهارتی در شکسته نستعلیق رسید که برای همیشه مایه تحسین و حیرت همگان گردید.

درویش سی و پنج سال زندگی کرد و هم در این سال‌های محدود عمر، تجربه‌ای به درازای قرن آموخت. او آن‌چنان شکسته نستعلیق را نیکو نوشت که خط نستعلیق با همه تجربه و اعتبار تا مدت‌ها غبار فراموشی گرفت.

با تمامی مهارت و استادی شاگردان درویش، با مرگ وی، در روند هنر خوشنویسی چهره‌ای همانند او پا به میدان این هنر نهاد و خوشنویسی در طول سالیان دراز به ویژه قرن دوازدهم هجری، سوی چند استاد نام‌آشنا، بی‌هیچ

تحولی به حیات خود ادامه می‌داد.

قرن سیزدهم؛ رجعت به ارزش‌های گذشته
در آغاز قرن سیزدهم، هنر خوشنویسی جان تازه‌ای می‌گیرد. این تحول مدیون توجه و عنایت خوشنویسان به کار مجدد در زمینه خط نسخ است. آثار به جای مانده از خوشنویسان خط نسخ در این دوره به ویژه در کار وصال شیرازی و فرزندان او، وقار، حکیم، داوری؛ گواهی بر رونق و اعتبار دگر بار خط نسخ است. همگام با رواج خط نسخ، ذوق آزمایی در سایر اقلام ششگانه مورد نظر قرار گرفت و از آن جمله کار و تجربه نوین در زمینه خط نستعلیق. در مجموع قرن سیزدهم با وجود هنرمندان خوشنویس و باتجربه‌ای چون: میرزا محمد کلهر، حجاب شیرازی، میرزا ابوالفضل ساوجی، وصال و فرزندان او؛ قرنی پر شکوه و پربار در زمینه خوشنویسی به شمار می‌رود.

با شروع قرن چهاردهم، همگام با زوال بسیاری از هنرهای ظریفه؛ خط و خوشنویسی نیز رونق و اعتبار از کف می‌دهد. با این همه در مقام مقایسه با سایر هنرها، این هنر به دلیل اهمیت ویژه‌اش در کتابت قرآن و سایر جنبه‌های

فرهنگی و هنری، به انحطاط کشیده نشد.

در گوشه و کنار، خوشنویسان بسیاری تجربه در این هنر را ادامه دادند و گاه نیز سهمی فراخور توجه، از آن خود ساختند.

**گزافه نیست که
خوشنویسی را در ردیف
هنرهایی بدانیم که
هنرمندانش
ناشناخته و گمنام مانده‌اند
و شاید هم به عمد و آگاهانه
خود بر این ناشناخته ماندن
دامن زده‌اند تا شیفتگی را
فدای تفاخر نسازند.**

